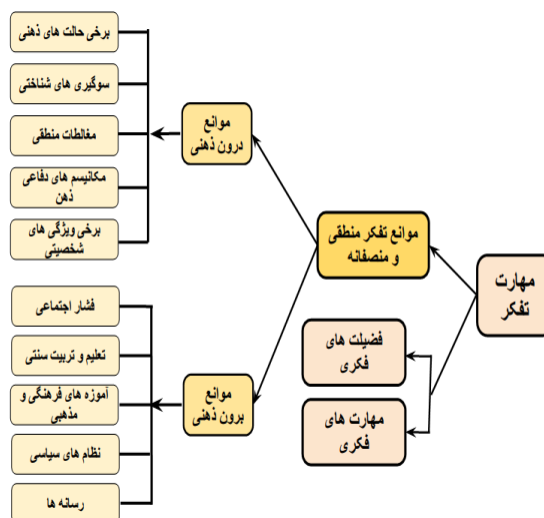


## Extrinsic Barriers to Fair-minded Thinking 3

### موانع برون ذهنی تفکر منصفانه ۳

این برنامه آموزشی با پشتیبانی و حمایت بنیاد غیر انتفاعی آینه تهیه و تقدیم حضور شما عزیزان میشود. در این بسته آموزشی که صد جلسه خواهد بود، اصول درست فکر کردن بر اساس آموزه های تفکر نقادانه، (**Critical Thinking**) و با بهره گیری از آخرین یافته های علمی در زمینه تفکر، آموزش داده میشود. هدف از این برنامه آشنایی همگان با اصول درست اندیشیدن است تا از این طریق شاهد گسترش هر چه بیشتر عقل ورزی و خردگرایی در جامعه باشیم. در جلسه گذشته درباره نقش آموزه های عرفانی در ایجاد مانع برای گسترش عقلانیت و تفکر نقادانه صحبت کردیم. در این جلسه به بحث پیرامون نقش رسانه ها در این زمینه خواهیم پرداخت.



## رسانه ها چگونه چالشی برای درست اندیشیدن می شوند؟

رسانه ها در راستای اهداف خود همواره تلاش می کنند ذهن مخاطب را به گونه ای که سیاست گذاری شده، شکل دهند و با برنامه های جهت دار خود در مسیر کنترل اذهان قدم بر میدارند. امروزه رسانه ها به عنوان مهمترین ابزار تبلیغات مورد استفاده دولت ها، احزاب و شرکتها قرار دارند. لازم است شهروندان در جوامع گوناگون به مهارت تفکر مجهز شوند تا بتوانند متوجه سوگیری ها، تبلیغات فریبنده و گزارش های خبری دستکاری شده شوند. معمولاً تعداد شهروندانی که سواد رسانه ای دارند و متوجه جهت گیری ها و فریبکاری ها در رسانه ها می شوند بسیار کمتر از آن است که باید باشد. آشنایی با ترفندهایی که رسانه ها برای فریب افکار عمومی بکار میبرند لازمه شهروندی در دنیای کنونی است.

مردم معمولاً عادت ندارند رسانه های مختلف را استفاده و گزارش های آنها را با هم مقایسه کنند. هر کسی بر اساس باورها، علایق و منافع خود رسانه هایی را انتخاب می کند و صدق و درستی آنچه پخش میشود را درست می پذیرد. وقتی تلویزیون همان چیزی را می گوید که شما دوست دارید یا به نفع شماست، احساس آرامش پیدا می کنید و حالتان خوب می شود.

البته هدف ما این نیست که با عینک تئوری توطئه به فعالیت رسانه ها نگاه کنیم. اینکه خبرنگاران و سردبیران و فعالان عرصه رسانه انگیزه های ایدئولوژیک، تعلقات فرهنگی و عرق ملی دارند گاهی سبب می شود اخبار و گزارش هایشان جهت دار بوده و نسبت کمی با واقعیت داشته باشد. نمیتوان انتظار داشت یک گزارشگر عرب دنیا را همانطور ببیند که یک گزارشگر روس می بیند.

نباید ساده لوحانه تصور کنیم که یک رسانه فارغ از انگیزه ها و اهدافی که دنبال می کند، واقعیت را آنگونه که هست منتشر کند. گزارش های خبری و تحلیل ها آمیزه ای از واقعیت ها (**facts**) و نظرات شخصی (**opinions**) است که گاهی تفکیک این دو برای مخاطب دشوار میشود. یکی از ترفندهای رسانه ای آمیختن این دو است و رسانه ها تفسیر خود از واقعیت را با آنچه واقعاً روی داده را به گونه ای باهم می آمیزند که مخاطب متوجه این فریب نمی شود.

هر روز اتفاقات بیشماری در گوشه گوشه جهان می افتد. طبیعی است که رسانه ها نمی توانند همه آنچه را که اتفاق می افتد پوشش دهند. اما این فراوانی رویدادها دست آنها را باز میگذارد تا آنچه را آنها مهم تشخیص میدهند در بولتن های خبری خود بیاورند. انصاف حکم میکند که اولویت بندی با توجه به اهمیت موضوع باشد. ولی چه کسی تعیین می کند چه خبر و گزارشی مهم است؟ تشخیص اهمیت با کیست؟ در اینجا بی طرفی و انصاف حرف اول را نمی زند و انگیزه ها و منافع

سرمایه گذاران رسانه ها تعیین کننده است. روزنامه ها بر اساس تیتر هایی که انتخاب می کنند نشان میدهند کدام موضوع برایشان اهمیت بیشتری داشته است.

تا کنون دقت کرده اید که رسانه های هر کشوری بیشتر ورزش هایی را مورد توجه و پوشش قرار می دهند که شانس مدال آوری ورزشکاران آن کشور در آنها بیشتر است؟ انگار ورزش هایی که ما شانس برای موفقیت در آنها نداریم از ارزش و اهمیت کمتری برخوردارند. ورزشی مهم است که ما در آن خوب هستیم.

رسانه ها آنچه را در کشور و فرهنگ خودی عقلانی و درست انگاشته میشود را درست و منطقی جلوه میدهند. در زمانی که در آمریکا «برده داری» امری قابل قبول بود، مطبوعات آن را مطلوب و طبیعی می دانستند.

متفکر نقاد مراقب است در دام رسانه هایی که مطالب گزینشی به خورد مخاطب میدهند نیفتد. گاهی برای اینکه به نظر برسد میخواهند مطلبی را عینا از منبع دست اول به ما عرضه کنند به حيله «تقطيع» متوسل می شوند و جمله بریده شده ای را که هیچ سنخیتی با دیدگاه کلی گوینده ندارد را در خبر یا تحلیل خود فریب کارانه جای میدهند.

بی طرفی اصلی ایده آل است که کمتر رسانه ای به آن متعهد می ماند. بی طرفی چیزی نیست که ما در رسانه ها ببینیم. بی طرفی معیاری است که متفکر نقاد باید در خود ایجاد کند.

هیچ رسانه ای فهم کامل و جامعی که ما نیاز داریم را به ما نمی دهد. قطعات مختلف پازل را باید در رسانه های مختلف پیدا کرد و درک و فهم خود را ساخت. برای اینکه بهتر متوجه شویم در جنگ روسیه و اوکراین چه خبر است باید رسانه های مختلف غربی و شرقی را مورد استفاده قرار دهیم و هر کدام را با توجه به سوگیری ها و منافعی که دارند ببینیم.

انسان متفکر صرفا شنونده و مصرف کننده تحلیل ها و گزارش ها نیست. او راستی آزمایی می کند تا حقیقت را پیدا کند. حقیقت چیزی نیست که رسانه در دامان شما بگذارد. حقیقت را نمیتوان از رسانه اخذ کرد بلکه باید با تلاش خود آن را کشف کنیم.

در جایی که رسانه ها معمولا سرشار از اطلاعات غلط، تبلیغات دروغین و تحریف واقعیت ها هستند، روش ما باید مثل قاضی باشد و نه مثل وکیل. در دادگاه قاضی هرگز با شنیدن ادعاهای یک طرف تصمیم نمی گیرد. باید ادعاهای دو طرف را شنید و شاید حقیقت در هیچ کدام نباشد و چیزی باشد که قاضی باید کشف کند. رویکرد هر شهروند آگاه و مطلعی باید اینگونه باشد. اول باید

علائق و سوگیری های خود را کنار بگذاریم. سپس به سوگیری ها و جهت گیری های رسانه که کنترلشان در اختیار ما نیست توجه کنیم.

متفکر نقاد می تواند از زوایای دید مختلف یک موضوع را توضیح دهد به گونه ای که مورد قبول صاحبان آن دیدگاه باشد. این ویژگی را با عنوان همدلی فکری در بخش فضیلت های فکری توضیح دادیم.

گاهی افراد به شبکه های مختلف گوش می کنند در حالیکه از قبل تصمیم خود را گرفته اند و فقط میخواهند دیدگاههای موافق با خود را تایید و دیدگاههای مخالف را محکوم کنند. آنها بیش از آنکه حقیقت برایشان مهم باشد منافع خود را در نظر می گیرند. مثل وکلا که وظیفه خود را دفاع از موکل خود به هر قیمتی میدانند.

ما عادت داریم کسانی که در راستای نظرات ما سخن می گویند را بی طرف و کسانی را که مخالف ما هستند را دارای سوگیری و جانبداری ببینیم.

ما در تاریخ نویسی نیز همین رویکرد را دنبال می کنیم. به عملکرد نظامیان و سربازان خود افتخار می کنیم و اقدامات دشمنان را شرارت تلقی می کنیم. در استفاده از واژگان نیز رسانه ها به خوبی جانبداری خود را آشکار می کنند. نیروهای ما شهید می شوند و دشمنان ما به درک واصل می شوند.

هر وقت به واژه رسانه فکر می کنیم به یاد کلمه پروپاگاندا یا تبلیغات فریبنده می افتیم. وظیفه و تکلیف خود بدانیم تا انگیزه ها و گرایشات رسانه ها را شناسایی کنیم. همیشه دیدن اینگونه سوگیری ها در رسانه های مخالف آسان است. مهم است این گرایشات و انگیزه ها را در رسانه هایی خودی تشخیص دهیم. طرفداران جمهوری اسلامی به خوبی متوجه جهت گیری ها در ایران اینترنتی می شوند ولی ممکن است حقه بازی های رسانه های داخلی را نبینند. عکس این قضیه نیز صادق است. همیشه ما راست می گوئیم و بقیه دروغ می گویند.

تجلی ما بریبینی را در رویکرد رسانه ها به خوبی میتوان دید. همیشه حق با ماست. دیگران باطل هستند. ما انگیزه ها و اهداف والایی داریم دیگران پست و بی ارزش هستند. رسانه ها در دامن زدن به اینگونه رویکردهای غیر عقلانی از هیچ تلاشی فروگذار نمی کنند.

چون تفکر ما بریبینی در جوامع غلبه دارد رسانه ها دائما اینگونه احساسات را بر میانگیزند و تشویق می کنند. ثمره اینگونه تلاش ها جنگ هایی است که به راه می افتد. پوشش جانبدارانه اخبار

اصل و قاعده است و نه استثنا. حتی کشورهایی که با ما متحد هستند، هر جنایتی مرتکب شوند را ما توجیه خواهیم کرد.

هرگونه کپی برداری از مطالب این وب سایت بدون ذکر منبع پیگرد قانونی دارد.